

به تعبیر نگارنده، از دولت اول آقای روحانی می‌توان در حوزه اقتصاد به عنوان دولت فرصت‌ها یاد کرد. چرا؟ چون که دولت از ظرفیت بالای پایگاه رای برخوردار بود، چه قبل از برجام و چه بعد از برجام. آن روزها، برهه‌ای بود که دولت می‌توانست از ظرفیت اقبال عمومی بالای خویش برای اتخاذ تصمیمات سخت در قالب متن رویکرد کلان تدبیر، امید، اعتدال و توسعه اقتصادی استفاده کند، اصلاحات اقتصادی که بدون تردید همیشه درد آور و دشوار بوده و است، اما با گفتمان سازی عملی و داشتن کمپین‌های اقناعی می‌توانست همراهی مردم را داشته باشد، لیکن دولت به دلایل عدیده در «دام ملاحظه» افتاد و اصلاحات تا به امروز ظاهراً به تأخیر افتاده است، البته ظاهراً.

اصولاً انجام اصلاحات اقتصادی درد آور است. منافع عمومی را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ پس عوامل عدیده‌ای مانع بهره‌گیری از ظرفیت پایگاه اجتماعی دولت و مدیریت گفتمان عمومی در مسیر اصلاحات اقتصادی شد.

#### ■ دولت فرصت‌ها

ابتدا باید اشاره کرد که دولت اول تدبیر و امید از منظر اقتصادی چه فرصت‌هایی را از دست داد. واقعیت این است که بخش قابل توجهی از فرصت در نتیجه اقدامات و تصمیمات خوب اقتصادی پدید آمد. به بیان ساده‌تر، اینگونه نبود که به دولت روحانی فرصت داده شده اما او استفاده نکرد، بلکه اتفاقاً خود دولت خالق فرصت‌ها بود و به وقت استفاده از فرصت‌ها، میوه چینی نکرد. هنگامی که ایشان روی کار آمد نرخ رشد اقتصادی بدون نفت منفی در حدود ۲۰ درصد و رشد اقتصادی با نفت ۲۰ درصد (شش ماه اول آن سال ۱۰۷ درصد منفی) بود؛ یعنی یک دولت با رشد اقتصادی منفی را تحویل گرفت، نرخ تورم هم به عنوان شاخص ملموس عموم جامعه عدد ۳۴۰۷ درصد بود. اولین اقدامی که روحانی انجام داد، کاهش نرخ تورم استخوان سوز بود، کنترل نرخ ارز، کنترل پایه پولی، کاهش التهابات و انتظارات تورمی، امید همگانی به بهبود، جلوگیری از افزایش قیمت کالا و خدمات دولتی به گونه‌ای که حتی شرایط رکودی در جامعه را تشدید کرد، هدف‌گذاری شد. در این برهه یک اتفاق نادر در اقتصاد ایران طی چهار دهه گذشته روی داد.

نرخ تورم هدف‌تکرار کمی اعلام شد. دولت اول توانست طی مدت چهار سال اول به ترتیب نرخ‌های تورم ۱۵۰۶ درصد برای سال ۱۱۰۹۹۳، ۹۴ درصد برای سال ۹۵ و نرخ تورم ۹۶ درصد را برای سال ۹۶ در اقتصاد ثبت کند. این روند اتفاقی نبود. هسته فرماندهی اقتصاد به یک الگوی سیاست‌گذاری اقتصادی رسیده بود؛ یعنی بستر سازی برای اصلاحات اقتصادی. این کاهش نرخ تورم در سایه سیاست‌های انقباضی و انضباط پولی شکل گرفت. در این برهه نمی‌توانیم، تحولات میان روابط ایران با سایر کشورها را از نظر دور کنیم.

بعد از امضای برجام در دولت باراک اوباما و قبل از روی کار آمدن ترامپ، سه اتفاق همزمان افتاد: اول سایه تحریم از روی اقتصاد ایران خارج شد، دوم، جامعه به شغف و انتظار برای رشد اقتصادی رسید و سوم، همزمان انتقادات نسبت به

سیاست‌های ضد تورمی یا رکود آور دولت بالا گرفت. در همین برهه، همزمان از چهار جبهه به دولت روحانی یورش شد. اول، افزایش انتقادات نسبت به سیاست‌های اقتصادی رکود آفرین (همصدایی بخش خصوصی و اصولگرایان در این دوران قابل ملاحظه بود)، دوم، شکاف در تیم اقتصادی دولت. سوم، فشار شدید روی دولت و هدایت آن به سمت سیاست‌های پوپولیستی و چهارم، شوک ترامپ و خروج امریکا از برجام. نهایتاً، همه چیز به سمت حرکت به حالت اول برگشت. نمودارهای شاخص تورم سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ چیزی را نشان می‌دهند که انگار بازگشت اقتصاد به سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ است، یعنی اوج شوک تحریم‌ها در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد، تورم بیش از ۳۰ درصدی و رشد اقتصادی منفی. نرخ تورم (به روایت مرکز آمار) در سال ۱۳۹۷ به سطح ۲۷ درصد بازگشت، یعنی حدود ۱۷ درصد بیش از نرخ تورم سال ۱۳۹۶. حال این سؤال وجود دارد، آیا افزایش نرخ تورم ناشی از روی کار آمدن ترامپ و زمزمه تحریم‌ها بود یا چرخش در سیاست‌های اقتصادی؟ به نظر نگارنده، این چنین نیست، بخشی از آن به خاطر عدول از مسیر سیاست‌های اقتصادی بود که حد اکثر و نهایتش، به صورت نیم بند اجرا شد. اما دولت چه فرصت‌هایی را برای اصلاحات از دست داد، بدون آنکه گفتمانی داشته باشد؟

#### ■ فرصت‌های رفته

دولت اول (یازدهم) آقای روحانی را می‌توان بیش از آنکه دولت تحریم شکن بنامیم، دولت تورم شکن نام گذاشت. اما آیا از فرصت کاهش نرخ تورم برای اصلاحات اقتصادی استفاده شد؟

یک سؤال، اصولاً چه اصلاحاتی می‌توانست صورت گیرد که نگرفت، چه اصلاحاتی نیاز به برنامه‌ریزی و گفتمان سازی داشت که انجام نشد؟

کاهش یارانه‌های پنهان، اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، حذف ارز ترجیحی (همان ۴۲۰۰ تومانی کنونی) از بخشی از کالاهای اساسی، ایجاد بانک اطلاعات جامع و ملی، حذف پرداخت‌های یارانه‌ها، حذف یارانه‌های نقدی، شتاب در اجرای مسکن مهر، افزایش سهم یارانه نقدی کم درآمدها، بسط پایه‌های مالیاتی، اصلاح ساختار بودجه کشور و حذف ردیف‌های هزینه‌ای سازمان‌های غیر پاسخگو به دولت و در کل اصلاحاتی که نه فقط هزینه عمومی و ناترازی کسری بودجه کشور را کاهش می‌داد، بلکه درآمدهای دولت هم رشد چشمگیر پیدا می‌کرد و تاب‌آوری اقتصاد در برابر فشارهای حداکثری دولت ترامپ افزایش می‌یافت و شوک‌های ارزی سال ۱۳۹۷ به کمترین سطح خودش می‌رسید. اینها فهرستی از اصلاحات اقتصادی بود که خیلی زودتر از اینها می‌توانست شروع شود، زمانی که نرخ تورم پایین‌تر بود، حمایت همگانی بیشتر؛ از جمله اموری است که اگر آن روز انجام می‌شد، امروز دست دولت برای مدیریت دوران تحریم باز بود. دولت در آن برهه به اراده ملت و گفتمان تدبیر و امید اتکا نکرد. دولت در روزهایی که تمام نگاه و توانش معطوف به عملکرد در دستگاه دیپلماسی بود، غالب و عطف

توجهش را بذل دیپلماسی و در نهایت در حوزه اقتصادی، معطوف به یک عدد تورم کرد: «تورم تک رقمی». هر جا رسید همین را گفت و تکرار کرد؛ بی‌آنکه از این فرصت تاریخی، تاریخ بسازد. فراموش نکنیم که تورم تک رقمی محصول سیاست‌گذاری برهه‌ای سیاست‌های پولی و مالی شماری از دولتمردان بود و نه برنامه اصلاحات اقتصادی. برنامه اصلاحات اقتصادی می‌توانست از دل شرایط اقتصادی کشور استخراج شود. به بیان ساده‌تر، دولت در تبیین رهاورد آن روز، به بیان معلول و نشانه‌ها چسبیده بود، نه علل و عوامل یا چالش‌های تاریخی اقتصاد ایران، همچون کسری بودجه و مفرهای (راه‌های فرار) بودجه‌ای که زمینه ساز تورم ساختاری در ایران هستند. آیا روحانی در آن زمان در مسیر اصلاحات اقتصادی قرار داشت؟ یا اینکه صرفاً هدفش فروکش کردن تورم بود؟ هر چه بود، سکان اقتصادی دولت تغییر کرد. نقد یا هجمه علیه عملکرد اقتصادی دولت از سوی جناحین سیاسی و کارشناسان مستقل در خصوص اینکه «تورم تک رقمی به بهای تعمیق رکود، صورت گرفته» بالا گرفت. ابتدا دولت بی‌اعتنا بود اما در نهایت، با اتخاذ سیاست‌های انبساطی به درخواست منتقدان تمکین کرد. تفاوت فاحش نرخ تورم در پایان سال ۱۳۹۶ (۹۰۶ درصد) با نرخ تورم سال ۱۳۹۷ (۲۷ درصد) گویای عرضه یا پمپاژ پول در اقتصاد است. در این مرحله بود که دولت نه به برند سیاسی اش توجه داشت و نه از محبوبیتش در آذهای (جایگاه‌یابی) و از گفتمان سازی برای اصلاح امور استفاده کرد.

منتقدان دولت می‌گویند در این برهه، دولت به این نتیجه رسیده بود که برای برون رفت اقتصاد ایران از چالش‌ها، راهکار اقتصادی نداشته و گشایش همه‌امور اقتصادی را در

**دولت اول (یازدهم)  
آقای روحانی را  
می‌توان بیش از آنکه  
دولت تحریم شکن  
بنامیم، دولت تورم  
شکن نام گذاشت.  
اما آیا از فرصت  
کاهش نرخ تورم برای  
اصلاحات اقتصادی  
استفاده شد؟**



پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری